این سخنان من را بر آن داشت تا بیش از ۱۵۰ حدیث را و سوره‌های متعددی از قرآن را در ذهن ثبت کنم. روزی فرمانداری استان هرمزگان اعلام کرد که مسابقه‌ای برای حافظان قرآن برگزار می‌کند. من بدون هیچ انتظاری در این رقابت شرکت کردم.

بعد از اجرا خانم فرخی‌نژاد، از مدیران مرکز خلیج‌فارس با لبخندی گفت: «مدیر مرکز گفته اگر کسی صدا و توانایی اجرا دارد، بیاید برای تست گویندگی.» تا آن روز، هرگز به این مسیر فکر نکرده بودم اما گویی سرنوشت من را به راهی تازه هدایت می‌کرد. این دعوت را پذیرفتم و به مرکز خلیج‌فارس رفتم.

محبی می‌گوید: آقای علمشاهی، مدیر آن مرکز، پس از شنیدن صدایم، بدون هیچ آزمونی گفت: «شما نیازی به تست ندارید، همین‌که صحبت می‌کنید، پیداست که گوینده‌اید.» سخنان او نقطه‌عطفی در زندگی من شد.

در همان روز، پیشنهادی برای اجرای «صدای روستا» دریافت کردم؛ برنامه‌ای که پیش‌تر توسط خانم سعادتمند و آقای عسگری اجرا می‌شد. ابتدا به من گفتند یک هفته فقط نظاره‌گر باشم و پس از آن، برنامه به‌طور کامل به من سپرده شد، چرا که خانم سعادتمند همراه همسرش به مشهد منتقل شده بود.

آن روز، آغاز سفری بود که من را به رادیو تهران، رادیو قرآن و شبکه جوان رساند. هرگز تصور نمی‌کردم که علاقه‌ام به حفظ قرآن، من را وارد این میسر کند. اما امروز، گویندگی برای من فراتر از یک حرفه است؛ صدایی که از صفحات قرآن برخاست، در امواج رادیو جاودانه شد.

# پوشان در تلویزیون

## تصویر واقعی و پرهیجان فضای درمان

امیرسجاد حسینی، کارگردان سریال «اپیدمی» که جزو اولین سریال‌های دوران کرونا بود، درباره ساخت این سریال گفت: در ساخت سریال اپیدمی ما سعی کردیم کار متفاوتی کنیم. تلاش‌مان این بود مثل سریال‌های معمول با صحنه‌های ایستایی که بازیگرها فقط حرف می‌زنند نباشد و براساس ذات شرایط بحرانی در ایام کرونا بازیگرها دائم حرکت داشتند تا حال‌وهوای شلوغ و پرهیجان روزهای کرونا بهتر حس شود و البته چون سریال موقع موج دلتای کرونا ساخته شد، تلاش کردیم کار را در فضای بسته آپارتمانی نسازیم و با دوربین‌هایی که روی دست حرکت می‌کردند، تصویری نزدیک به سینما خلق کنیم. یکی از سختی‌ها حفظ سرعت و ریتم داستان بود چون کار در بخش‌های بیمارستانی به‌خاطر زیادبودن جابه‌جایی دوربین و تغییر نور سخت بود. برای این‌که داستان تند و جذاب پیش برود، تعداد سکانس‌ها و نماها را زیاد کردیم تا مخاطب هیجان بیشتری حس کند.

حسینی ادامه داد: ساختن صحنه‌های مربوط به بیمارستان و دوران کرونا که به‌دلیل شرایط خاص آن‌زمان برای بسیاری از تماشاگران دلچسب نبود، کار را سخت کرد. ما تلاش کردیم این صحنه‌ها را به‌گونه‌ای نشان دهیم که زنده و پرانرژی باشند و خسته‌کننده به نظر نرسند، تا حس و تلاش کادر درمان در آن شرایط بهتر منتقل شود. در بخش‌های پزشکی، تصمیم گرفتیم تعداد نماها و تغییر زاویه‌های دوربین زیاد باشد تا ریتم داستان روان و باورپذیر به نظر برسد و بتوانیم به استانداردهای سریال‌های پزشکی خارجی نزدیک شویم. خوشبختانه با کمک مدیران شبکه امکانات خوبی در اختیار داشتیم؛ از جمله بیمارستان قوه قضاییه و بیمارستان‌های صحرایی که با کمک سپاه و ارتش ساخته شده بودند. این لوکیشن‌ها به ما امکان دادند فضایی مرتب و شیک بسازیم و از ساختن فضایی ناخوشایند و تاریک پرهیز کردیم.

کارگردان اپیدمی اضافه کرد: من سبک کاری کارگردان معروف آمریکایی، دیوید فینچر را خیلی دوست دارم که با نماهای متنوع و خلاقانه، داستان را جذاب‌تر می‌کند. مثلا وقتی یک صحنه را از دور نشان می‌دهیم و بعد به نمای نزدیک بازیگر می‌رویم، این دو نما باید کاملا متفاوت و گیرا باشند تا توجه بیننده حفظ شود. البته این کار خیلی سخت است و معتقدم تا زمانی که دوربین روشن است، کار بچه‌مسلمان این است که به هیچ چیز و هیچ‌کس فکر نکند تا بهترین نما را از کار درآورد.

وی افزود: بازی در تلویزیون با سینما تفاوت‌های زیادی دارد. در تلویزیون، صداهای طبیعی محیط مثل صدای آشپزخانه یا تلفن همراه شنیده می‌شود و ضبط باید واقعی به‌نظر برسد. سعی کردم از بازی‌های کلیشه‌ای مثل ایستادن پشت پنجره و دیالوگ‌های طولانی دوری کنم و بازی‌های طبیعی‌تر ارائه دهم. تلاش کردم تا تعادل بین بازی‌های اغراق‌شده و خیلی ساده برقرار شود؛ مثلا محسن قصابیان، مهدی فریضه و علی غلامی بازی‌های ظریف‌تری داشتند که تلاش کردیم با تعادل‌سازی با سایر بازی‌ها هماهنگ شود. یکی از چالش‌ها فشار و استرس بازیگران پیش از هر سکانس بود که در تلویزیون کمتر دیده می‌شود اما بسیار مهم است، چون موفقیت کار تنها به بازیگران و داستان نیست و تلاش تیم کارگردانی و فنی هم نقش بزرگی دارد.

حسینی ادامه داد: سریال اپیدمی نخستین تجربه جدی ما در روایت روزهای کرونا بود و تلاش کردیم اثری قابل‌اعتنا و حرفه‌ای بسازیم. وقتی حدودا در ۲۹ سالگی این فرصت به من داده شد، برخی فکر می‌کردند چون آقازاده هستم این موقعیت به من داده شده اما واقعیت این بود که برای رسیدن به آن موقعیت تلاش کرده بودم. آن زمان کرونا برای همه تازگی داشت و ما هم در حال یادگیری بودیم.

همان‌طور که گفتم یکی از دغدغه‌هایم کیفیت تصویربرداری بود. مرحوم نادر طالب‌زاده پس از دیدن سریال، از رنگ و لعاب تصاویر به‌خصوص سکانس‌های شب خوش‌شان آمد و تعریف می‌کردند.

کارگردان اپیدمی افزود: ما تجربه‌های زیادی در ساخت سریال‌های پزشکی داشتیم که «پرستاران» یکی از آنهاست اما این سریال‌ها معمولا روی روند درمان تمرکز داشتند و کمتر به زندگی شخصی و روابط شخصیت‌ها می‌پرداختند که جا دارد بیشتر روی آن کار شود. کارگردان و نویسنده باید داستان را انسانی روایت کنند و شخصیت‌هایی با دغدغه‌ها و احساسات واقعی بسازند.

## پزشکی با چالش‌های انسانی

گی سریال آلا، که در روی آنتن رفته، ضمن ین اثر گفت: سریال آلا د. در تهیه و تولید متخصصان و ته رویان که ش‌رواست، و تجربیات یک تخیل آغشته

فرزندان، همه جزو زندگی آنهاست. درواقع هرچه در پرداخت شخصیت‌ها ابعاد انسانی‌شان بیشتر نشان داده شود، مخاطب بهتر با آنها ارتباط برقرار کرده و جذب داستان می‌شود.

پیام با اشاره به استفاده از چالش‌های خاص محیط درمان برای نزدیک‌تر شدن به این فضا در فیلمنامه‌ها عنوان کرد: چالش‌های تخصصی مراکز درمانی ذاتا جذاب هستند اما برای جلب بیشتر مخاطب باید دراماتیک‌تر نشان داده شوند. افزودن حاشیه‌هایی مثل اختلافات کوچک، سهل‌انگاری یا اشتباهات کادر درمان که به بروز مشکلاتی منجر می‌شوند، داستان را ملموس‌تر و جذاب‌تر می‌کند. البته باید دقت شود که این چالش‌ها فقط در فضای درمان اتفاق نمی‌افتد، بلکه در هر محیط کاری‌ای مانند ادارات هم رخ می‌دهد و همان‌طور که گفته شد همین جزئیات به جذابیت محتوا کمک می‌کند.

این نوع چالش‌ها مخاطب را بهتر جذب می‌کند، چون موضوعات صرفا علمی گاهی خسته‌کننده هستند اما اضافه‌کردن بعد اخلاقی، داستان را جذاب و مخاطب را درگیر نگه می‌دارد. درام همیشه بر مبنای مسائل انسانی شکل‌گرفته و بدون این چالش‌ها، هیچ اثری کامل نخواهد بود.

سرپرست تیم نویسندگی آلا ادامه داد: دوست دارم درباره موضوعات حساسی مانند خطای پزشکی و فساد در نظام درمان با آزادی عمل بنویسم و از واقعیت‌های جامعه و تجربه‌های خود و اطرافیان الهام بگیرم، حتی مواردی که به‌خاطر فساد، جان عزیزانی از دست رفته است اما در عمل محدودیت‌هایی وجود دارد که مانند سایر حوزه‌ها حساسیت بالایی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود نویسنده‌ها، تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها به‌خاطر جلوگیری از حاشیه‌ها، کمتر به این موضوعات بپردازند. با این حال، چقدر خوب است شرایطی فراهم شود که بتوان واقعیت‌ها را بدون دخل‌وتصرف و به‌شکل صادقانه نشان داد.

امیدوارم صداوسیما با نگاه سازنده و حمایت از هنرمندان، زمینه را برای پرداختن به موضوعات مهم و واقعی این‌چنینی فراهم کند. لازم است رسانه‌ملی در مواقع ضروری، در حفظ استقلال و کیفیت آثار حتی در مقابل دیگر ارگان‌ها و نهادهایی که مخالف این امر هستند، ایستادگی داشته باشد تا بتواند آثار تاثیرگذار و جذابی تولید کند.

**آشا محرابی**
این هنرمند در سریال تلویزیونی «فرشتگان بی‌بال» نقش یک پزشک دغدغه‌مند را بازی می‌کرد که با وجود مشکلات تلاش داشت تا حلال مشکلات بیماران باشد. این اثر به کارگردانی امیرحسین عنایتی تولید شده بود.

**علی نصیریان**
این هنرمند در سریال تلویزیونی «زمین انسان‌ها» نقش یک پزشک مهربان و دغدغه‌مند را بازی می‌کرد که کوشید به بیمارانش روحیه بدهد. این سریال به کارگردانی ابوالحسن داوودی ساخته شده بود.

**زنده یاد پرویز پورحسینی**
این هنرمند در سریال تلویزیونی «سایه تنهایی» نقش دکتر هاتفی جراح مغز و اعصاب و رئیس بیمارستان بازی می‌کرد. کارگردانی این سریال به عهده بیژن شکرریز بود.

**مهدی هاشمی**
این هنرمند در سریال «روزگار قریب» نقش میانسالی دکتر قریب را به‌زیبایی ایفا کرد که مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گرفت. این سریال به‌کارگردانی کیانوش عیاری ساخته شده بود.

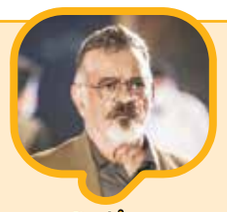

**مهدی فخیم‌زاده**
این هنرمند در سریال «موج اول» تجربه یک نقش متفاوت را داشت. او در این سریال نقش یک پزشک خوشنام به‌نام احمد جهان را ایفا کرد. کارگردانی این سریال بر عهده امیرسجاد حسینی بود.

**نیما شاهرخ‌شامی**
این هنرمند در سریال «همه‌گیری» نقش یک پزشک را بازی کرده که همه‌چیز را رها کرده و در نقطه مقابل گروهی از کادر درمان قرار می‌گرفت که فداکاری می‌کردند. این سریال به کارگردانی محمدصادق بکتاشیان ساخته شد.

## روایت پیشرفت
## مأموریت راهبردی رسانه ملی

رقیه واعظ‌نژاد

گروه
قاب کوچک

در امتداد تحقق اهداف سند تحول رسانه ملی، کارگروه تخصصی «پیشرفت» با مأموریت روایتگری امیدآفرین از توانمندی‌های علمی، صنعتی و فناورانه کشور شکل گرفته است؛ کارگروهی که با تکیه بر گفتمان ایرانی-اسلامی در تلاش است تصویر ایران پیشرفته را در قاب رسانه ملی بازآفرینی کند و با بهره‌گیری از قالب‌های نوآورانه برنامه‌سازی، روایت‌هایی الهام‌بخش و غرورآفرین از مسیر را به مخاطبان ارائه دهد.

توحید سلطانی، مدیر گروه تخصصی «پیشرفت» رسانه ملی در گفت‌وگو با قاب کوچک با اشاره به جایگاه این گروه در ساختار سند تحول رسانه ملی گفت: کارگروه پیشرفت با هدف پوشش ضعف‌های گفتمانی و مضمونی در روایت پیشرفت، به‌عنوان بازوی اندیشه‌ورزی سازمان تعریف شده است. مأموریت ما همراهی با بخش‌های مختلف رسانه در مضمون‌سازی هدفمند و روایتگری مطلوب ذیل گفتمان ایرانی-اسلامی است.

او افزود: تمرکز کارگروه بر دستاوردهایی است که اقتدار، خودباوری و توانمندی ایران را در سطح ملی و بین‌المللی بازنمایی می‌کنند؛ از تولید واکسن و داروهای پیشرفته تا فناوری‌های درمانی، پرتاب ماهواره و دستاوردهای دفاعی. اما پیش از ورود به عرصه روایتگری، رسانه باید خود را از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ارتقا دهد. در این راستا، تقویت گفتمان پیشرفت در سازمان و استفاده از فناوری‌های جدید برنامه‌سازی اهمیت مضاعفی دارد. سلطانی با اشاره به اقدامات اجرایی گروه گفت: برنامه چالش مسابقه «خانه» یکی از تولیدات موفق ماست که فصل دوم آن از شبکه یک در حال پخش است. همچنین ده‌ها طرح دیگر در قالب‌های نمایشی، غیرنمایشی و همچنین آثار فیلر (کوتاه) طراحی و ارائه شده‌اند. در کنار آن، جهت گفتمان‌سازی در حوزه پیشرفت، نشست‌های نخبگانی و برنامه‌های بازدید از مراکز پیشرفت جهت تبیین موضوعات مختلف برگزار شده است.

او بهره‌گیری از فناوری‌های نوین را یک ضرورت دانست و تصریح کرد: استفاده از تکنیک‌های نوآورانه مثل بازی‌وارسازی و فرم‌های تعاملی، روایت پیشرفت را برای مخاطب ملموس‌تر و جذاب‌تر می‌سازد. تجربه جهانی نیز نشان داده موفق‌ترین تولیدات علمی بر پایه چنین نوآوری‌هایی شکل گرفته‌اند.

مدیر گروه تخصصی «پیشرفت» رسانه ملی در ادامه از تعامل مستمر با نخبگان علمی و صنعتی خبر داد و گفت: کارگروه بستری برای پیوند رسانه ملی با نخبگان و پیشگامان پیشرفت کشور است که در طراحی برنامه‌ها، مشاوره‌های تخصصی و نشست‌های علمی کارگروه در سازمان نمود دارد. او نقش رسانه ملی در دیپلماسی علمی و فناوری را مهم ارزیابی کرد و افزود: در جنگ روایت‌ها، رسانه‌های دشمن تصویری سیاه از ایران ارائه می‌دهند. رسانه ملی با بازنمایی موفق پیشرفت‌ها، می‌تواند تصویر ایران پیشرو در علم و فناوری را به جهانیان نشان دهد و به ارتقای قدرت نرم کشور کمک کند.

سلطانی چشم‌انداز گروه را تبدیل شدن به بازوی راهبردی سازمان در روایت پیشرفت‌های ایران عنوان کرد و گفت: هدف نهایی، ایجاد مرجعیت رسانه ملی در روایت پیشرفت و تقویت جایگاه و برند ایران در عرصه ملی و بین‌المللی است.



مدیر گروه تخصصی «پیشرفت» رسانه ملی در پایان خواستار همکاری فعال نهادهای علمی، صنعتی و رسانه‌ای با رسانه ملی شد و خاطرنشان کرد: تحقق روایت‌های امیدآفرین از پیشرفت‌های کشور، نیازمند تعامل مستمر و حمایت از طراحی و تولید برنامه‌های تخصصی در این عرصه است.

---

که تنها برنامه اختصاصی درباره ورزش جانبازان و توان‌یابان کشور است. این برنامه به نوعی ادامه همان مسیری است که در جبهه‌ها آغاز کردم؛ باز هم روایت مقاومت، اما این‌بار در میدان ورزش.

**نام برنامه و محوریت آن چیست؟**

نام برنامه «جهان جانبازان و توان‌یابان» است و هر جمعه به مدت دو ساعت از رادیو ورزش پخش می‌شود. این برنامه فرصتی است برای شنیدن صدای قهرمانان خاموش. ما در هر قسمت میزبان مسئولان ورزش جانبازان و توان‌یابان کشور، قهرمانان پارالمپیکی، نابینایان، ناشنوایان و بیماران خاص هستیم. موضوعات برنامه از پارالمپیک و پارابازی‌های آسیایی گرفته تا مسائل زیرساختی، استعدادیابی، تجهیزات و حمایت از ورزشکاران است. تلاش می‌کنیم نگاه جامعه را نسبت به توانایی‌های این قشر تغییر دهیم.

**هدف شما از تولید این برنامه چیست؟**

هدفم روشن است: نشان دادن این‌که توان‌یابی فقط یک واژه نیست، بلکه سبک زندگی است. ما می‌خواهیم مردم بدانند که قهرمانان این حوزه با اراده و پشتکار خود، مفاهیم تازه‌ای از شجاعت را تعریف کرده‌اند. این برنامه تلاشی است برای ثبت صدای آنان؛ صدایی که شاید در هیاهوی رسانه‌ای کمتر شنیده می‌شود، اما از جنس ایمان و اراده است.

**آیا علاوه بر این برنامه، فعالیت دیگری نیز در رادیو دارید؟**

بله، در مجموع سه برنامه در رادیو ورزش به تهیه‌کنندگی من تولید می‌شود. هر کدام از این برنامه‌ها بخش کوچکی از دغدغه من نسبت به جامعه ورزشکاران و به‌ویژه قشر توان‌یاب را منعکس می‌کنند. البته کار بدون بینایی ساده نیست، اما با کمک فناوری، همکاران خوب و حافظه ذهنی قوی، تمام مراحل را مدیریت می‌کنم. برای من صدا حکم تصویر را دارد؛ من از لحن و کلمه برای ساختن تصویر در ذهن مخاطب استفاده می‌کنم.

**از دوران خبرنگاری در جبهه‌ها و مناطق جنگی چه خاطره یا پیامی برای نسل جوان دارید؟**

من افتخار داشتم در پنج جنگ حضور داشته باشم؛ از دفاع مقدس تا جنگ عراق. یکی از تلخ‌ترین اما پرافتخارترین خاطراتم مربوط به حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان شیشه‌ای است؛ محلی که صدای خبرنگاران ایرانی به جهان مخابره می‌شد. آن روز دشمنان می‌خواستند صدای حقیقت را خاموش کنند، اما نتوانستند. یاد گرفتم که حقیقت، حتی اگر زیر آوار بماند، روزی شنیده می‌شود.

**آیا قصد دارید این خاطرات و تجربیات را مکتوب یا تصویری ثبت کنید؟**

بله، به لطف حمایت دکتر جبلی، رئیس محترم سازمان صدا و سیما، ساخت مستندی با عنوان «ساختمان شیشه‌ای» را آغاز کرده‌ایم. این مستند روایتی از خبرنگاران جنگ، رزمندگان رسانه‌ای و فداکاری‌هایی است که در آن سال‌ها رقم خورد. من می‌خواهم آنچه را دیده‌ام و تجربه کرده‌ام، به نسل بعد منتقل کنم. نسل جوان باید بداند که خبرنگاری فقط شغل نیست، مسئولیت و تعهد است؛ مسئولیتی در برابر حقیقت.

**با توجه به تجربه‌های گوناگون، بزرگ‌ترین درس زندگی‌تان چیست؟**

بزرگ‌ترین درس من این است که انسان تا زمانی که امید دارد، زنده است. من بارها مرگ را از نزدیک دیده‌ام، اما هر بار ایمان نجاتم داده. امروز وقتی در استودیو پشت میکروفن می‌نشینم، همان حس حضور در جبهه را دارم؛ حس وظیفه. فقط میدان عوض شده، اما هدف همان است: خدمت، آگاهی و امیدبخشی.

**در پایان اگر بخواهید پیامی به جوانان یا هم‌نسلان خود بدهید چه می‌گویید؟**

می‌گویم هرگز اجازه ندهید سختی‌ها شما را از مسیر بازدارد. خداوند هیچ دردی را بی‌دلیل نمی‌دهد. گاهی در تاریکی است که باید نور درون‌تان را پیدا کنید. اگر به کارتان ایمان داشته باشید، دنیا خودش مسیر را باز می‌کند. من چشم‌هایم را از دست دادم، اما چشم دلم بازتر شد. امروز می‌بینم، شاید بیشتر از زمانی که می‌دیدم. زندگی هدیه‌ای است برای تلاش و خدمت؛ تا آخرین نفس باید امیدوار بود.